

سایبرپژوه



www.Cyberpajoo.com

Cyber\_pajoo



## چگونه می‌توان از الهیات در جهان سایبری سخن گفت؟

بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ

سازمان فضای مجازی سرچ

سایبرپژوه

[www.cyberpajoooh.com](http://www.cyberpajoooh.com)



## چگونه می‌توان از الهیات در جهان سایبری سخن گفت؟

این فرض الزاماً به این معنا نیست که سایبر تلقی‌ای ملحدانه دارد، بلکه بیشتر رویکردی مشرکانه است؛ این انسان است که اراده می‌کند و زمینی در عداد زمین طبیعی “خلق” می‌کند تا بتواند اراده خود را بی هیچ سدی نافذ کند. سایبر به جای آنکه از مفهوم «از خدا ناشی شدن» استمداد بگیرد مفهوم «به خدا تبدیل شدن» را به کار می‌گیرد.

با وجود این دو مشکل در طرح الهیات سایبری، می‌توان تقریبی بیشتر الهیاتی به سایبر داشت و بی آنکه بخواهیم با به کارگیری مفاهیم سنتی در گفتگو با ایده جهان سایبری خود را به تکلف بی‌اندازیم، الهیاتی نوین را پیشنهاد دهیم که در عین سازگاری با مقدمات رویکرد سایبری، آن را به سمت و سویی دیگر سوق داده و الهیات منطوی در آن را به نقد کشیم.

یکی از نکات بسیار مهمی که باید در طرح این الهیات مدنظر قرار دهیم، طرح و بحث از «الهیات پیش‌رونده» است. الهیات پیش‌رو در تمایز با الهیات پس‌رونده قرار دارد. در الهیات پس‌رونده موجودات را با علت فاعلی آنها می‌سنجند تا در نهایت به علت العلل یعنی خداوند منتهی شود؛ این حرکت، حرکتی است به عقب و از این رو نوعی پس‌روی (regression) است. در حالی که الهیات پیش‌رونده بر علت غایی و افقی که موجودات برای دست‌یابی به آن حرکت می‌کنند، تاکید می‌کند. این حرکت در غایات و رسیدن به غایت الغایات نوعی پیش‌روی (progression) است.

باید به شکل تفصیلی و در تحقیقی مجزا توضیح داد که چرا این الهیات پیش‌رونده بر الهیات پس‌رونده در زمانه سایبر اولویت دارد، اما به طور اجمال می‌توان گفت از آنجا که انسان در فهم سایبری سرسلسله علل محسوب می‌شود، اراده او فاعل بدون فاعل اما واجد غایت است. از این رو همه امور جهان سایبری از اراده انسانی نشأت می‌گیرد و نوعی صعود است بر پایه اراده. سایبر در عین حال خواهان آن است که غایت را نیز انسان قرار دهد؛ انسانی خدا شده. بنابراین در این لحظه است که می‌توان در عین همکلامی با فهم پیش‌رونده، غایتی نوین را در قالب الهیات غایت‌شناسانه برای سایبر معرفی کرد تا انسان پلی باشد «که بر آن چیره می‌بایست شد».

جهان جدیدی که از پس انقلابات فکری و سیاسی حاصل آمده است و امروز تثبیت شده است، محصول فهم خاصی از رابطه خداوند، انسان و طبیعت است. برخلاف تلقی متعارف، الهیات به طور کلی در زمانه جدید از میان نرفت، بلکه هرگز ایش نوین در تفکر نوعی پاسخ به مسائل دیرین الهیاتی باقی ماندند: چگونه می‌توان از خدایی سخن گفت؟، رابطه خدا با جهان ما چیست؟ چگونه می‌توان سعادت کسب کرد و با وجود قادر متعالی که بر هر چیزی تواناست سعادت‌مندانه زیست؟. از این رو مسائل علم طبیعی جدید، علوم انسانی نوظهور و سیاست ورزی نوبنیاد، همگی تصریحاً یا تلویحاً پاسخی به مسائل بنیادی الهیاتی دارند.

جای شگفتی نیست که ظهور سایبر، به عنوان انقلابی در جهان تکنولوژیک، خود الهیاتی را پیش فرض گرفته و در صدد پاسخ به مسائلی از این دست است. به عنوان مثال ایده جهان سایبری کمابیش بر این تصور استوار است که چگونه می‌توان در جهانی ایدئال زیست کرد بدون آنکه موانع ابژکتیو جهان طبیعت خللی در خواست ما ایجاد نکنند. این میل به زندگی در جهانی مثالی (یا بگو، ملکوتی-آسمانی) بیانگر همان دغدغه الهیاتی جهان پس از مرگ و جاودانگی است.

با این وجود، دو مشکل در بیان الهیاتی سایبری وجود دارد: ۱- این الهیات در بیشتر مواقع مصرح نیست. سایبر میل دارد تا خود را به عنوان شیوه زیستی مستقل معرفی کرده و وابستگی اش به الهیات را پنهان کند. این انگیزه‌ای است که بیشتر سازوکارهای مدرن همراه با سایبر در آن مشترکند؛ این نهادها نوعی پدرکشی اودیپ‌وار در نسبت با الهیات دارند. ۲- واژگان و مفاهیم الهیات سنتی در برخی موارد توانایی دیالوگ با مفاهیم بنیادین سایبری را ندارند. این نکته غیر از این بصیرت است که مسائل مشترکی میان آنها وجود دارد. در واقع الهیات سنتی از رویکردی آغاز می‌کند که جهان سایبری پیشاپیش آن نقطه آغاز را انکار و فراموش کرده است. به عنوان مثال الهیات سنتی همواره از خداوند به عنوان اصل موجودیت اشیاء سخن می‌گوید و از این رو خداوند نه تنها آغاز هستی است، بلکه آغاز بحث از موجودات و اطوار آن‌ها و شیوه‌های گوناگون زندگی است. این در حالی است که سایبر پیشاپیش انسان را به عنوان آغاز در نظر می‌گیرد.





Cyber\_pajooH

